

نگاه **فاطمه موسوی**؛ تاریخ پژوه

سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ابطال قراردادی **حق را باید گفت...**

از دوران سلطنت قاجار، تلاش‌های استعمار برای سلطه بر کشورمان فزونی گرفت. اگر از جدایی بخش‌هایی از ایران و تغییر جغرافیای آن بگذریم، دولت‌های روس و انگلیس از بی‌کفایتی پادشاهان ایران استفاده می‌کردند تا با قراردادهای مختلف دولت را تضعیف کنند و تحت کنترل خود در بیاورند. ازجمله این قراردادها رویترز، تالیوت (رژ) و بعدها ۱۹۱۹ بود. نکته‌ای که از بررسی مقابله ملت ایران با انعقاد این قراردادها به‌دست می‌آید، بصیرت عالمانی است که از زمانه خود جلوتر بوده و نیز مردمی که گوش به فرمان علما سپرده‌اند.

اولین سسندی که در تأیید این سخن دیده می‌شود، نامه آیت‌الله‌العلّمی حاج ملاعلی کنی از روحانیون برجسته دوره قاجار به ناصرالدین شاه، درباره قرارداد رویترز است؛ قراردادی که به‌گفته لرد کرزن، هنگامی که امتیاز آن منتشر شد، مندرجات آن حاکی از تسلیم کامل و خارق‌العاده همه منابع صنعتی یک کشور به بیگانگان بود و تا به امروز در هیچ مستعمرهای سابقه نداشته است! حاج ملاعلی کنی در این نامه، به نیکی اهداف استعماری انگلیس را تبیین می‌کند و در گوشه‌ای از آن، به این پرسش می‌پردازد: «کمپانی هند، تمام هند به آن وسعت و مکنّت را، به خریداری و تملک یک جزیب زبیم مخصوص سکونت خود برد. کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه‌آن، استحقاق انتفاع جمیع معادن و رودخانه‌ها و اراضی، با حق به‌کاردااشتن جمیع کارکنان از رعایا، چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد؟» چند سالی از لغواین قرارداد نگذشته بود که سفر دیگر شاه به فرنگ، منجر به انعقاد قراردادی شد. در آن مقطع مصلحتانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی، پیش‌تر از اجراءشدن آن در ایران، زوایای پنهان آن را درک کرده و ضررهای آن را برای کشور برملاکرده‌اند.

آنچنان که وی در نامه خودبه آیت‌الله‌العلّمی حاج‌سیدمیرزا حسن حسینی شیرازی، مقام مرجع تقلید شیعیان جهان را با عبارتی همچون: «ای ستون خیمه‌دین، ای زبان گویای شع مبین، حاج میرزا حسن شیرازی» مورد تکریم قرار می‌دهد و در ادامه اینطور اتمام حجت می‌کند: «حق را باید گفت، تو مثل جان در تن همه مسلمانان دیده‌ای، هیچ کس جز در پناه تو نمی‌تواند برای نجات ملت بر خیزد و آنها نیز به غیر از تو اطمینانی ندارند...»

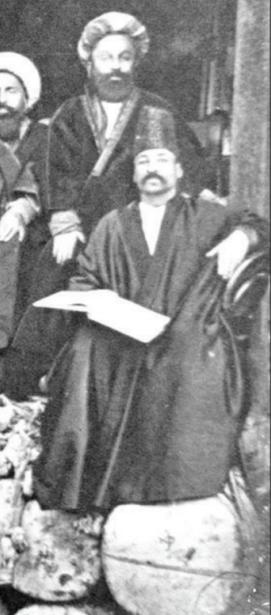


سیدجمال‌الدین حسینی اسدآبادی

**سید جمال‌الدین اسدآبادی در نامه خود به میرزای شیرازی، در کنار برملاکردن مواضع استعماری قرارداد رژّی، به استبداد نیز توجه می‌کند و ناصرالدین شاه را فردی سست عنصر و بد سیرت معرفی می‌کند که توانایی اداره کشور را ندارد و آن را به زمامداری نالایق یعنی علی‌اصغرخان امین‌السلطان محول کرده است**

این بیدارگر شرقی، اهداف استعمار را در قرارداد رژّی، اینگونه بیان می‌کند: «هنای ثروت مملکت ایران معادن، راه‌ها، ازهاز اهواز تا تهران، کاروانسراها، مزارع و بساتین حتی قهوه‌خانه‌ها را به اجانب فروخته است. بانک‌ها را در اختیار کفار، یعنی دشمنان اسلام قرار داده است. مرداب‌های رشت و نهرهای مازندران و راه‌هاز بندر انزلی تاخراسان و مزرعه‌ها و باغ‌ها و مهمانخانه‌ها همه و همه را، به بیگانگان با قیمت بسیار پایین داده است که این کار هم خیانت است و هم سفاهت. ای حجت اسلام! شما اگر امروز برای کمک به این امت قیام نکنید و اقدامی در جهت ایجاد وحدت و اتحاد ملت ایران انجام ندهید و سلطنت و حکومت را از دست این شاه فاجر نستانید، حوزه اسلام به کلی زیر سیطره بیگانگان قرار می‌گیرد و آنها مطابق امیال پست خود، آنچه را که دلشان می‌خواهد، انجام می‌دهند. بدانید که اگر شما از این فرصت استفاده نکنید و جلوی حرکت دشمنان اسلام را نگیرید، بیگانگان بر آنها مسلط شوند، به‌طوری که با وجود شما در میان این ملت، نام نیکی از شما در اوراق تاریخ باقی نخواهد ماند...!»

او در کنار برملاکردن مواضع استعماری قرارداد رژّی، به استبداد نیز توجه می‌کند و ناصرالدین شاه را فردی سست عنصر و بد سیریت معرفی می‌کند که توانایی آاده کشور را ندارد و آن را به زمامداری نالایق یعنی علی‌اصغر خان امین‌السلطان محول کرده است. سیدجمال در انتهای نامه نوید می‌دهد: «من این نامه را به محضر شما نوشتم و می‌دانم که خداوند بزرگ با دست شما، جریانی را برای دفع نقشه دشمنان استعمار و تأمین عزت و عظمت اسلام پیش خواهد آورد...». حاصل تلاش سیدجمال‌الدین اسدآبادی و سایر علما و روحانیون، خروش آیت‌الله‌العلّمی میرزای شیرازی با فتوای معروف خود در ماجرای تنباکو، برای لغو قرارداد رژّی و آغاز مقابله روحانیت با استعمار و استبداد بود که نه‌پایان به نهضت تاریخی مشروطیت منجر شد.



# از این پس فرنگیان بر مرده‌هایمان نماز خواهند خواند!

جستارهایی در حاشیه و متن رویداد تاریخی تحریم تنباکو

**گزارش**  
**مریم صادقی‌پری**  
روزنامه‌نگار

از اوایل دوره قاجار که پای وزارت آدمیرالی بریتانیا به آب‌های خلیج‌فارس باز شد و آغاز تسلط بر جزایر ایرانی خلیج‌فارس را دید تا دخالت در عزل و قتل قائم‌مقام‌فرهانی صدر اعظم دانشمند ایرانی و رقم زدن سر نوشت مشابه برای فرزند خوانده و دست پرورده‌اش امیر کبیر و جداسازی هرات از ایران، چهره واقعی استعمار پیر برای مردم ایران آشکار شده بود. انگلستان در دوره پنجاه ساله ناصری تلاش کرد تا در پوشش قرار دادهای اقتصادی، کشور ایران را به قیضه کامل خود در آورد. در این مقال گوشه‌ای از اقدامات استعمارگران انگلیس، در ماجرای قرارداد رژّی و پیامدهای آن در ایران را، مورد کنکاش قرار داده‌ایم.

**رورد لرد کرزن به ایران**  
«لرد کرزن» سال‌ها قبل از اینکه به‌عنوان سفیر بریتانیا در ایران مشغول کار شود، در پوشش خبرنگار روزنامه تیمز سفری به ایران داشت. او در آن زمان، جوان بی‌تجرب و چند سساله‌ای بود که از راه روسیه و شمال ایران، وارد استان خراسان شد و شهر به شهر سفر کرد. او بعدها حاصل این سفر را، در دو جلد کتاب به نام «ایران و قضیه ایران» به چاپ رساند. در آن دوران انگلستان، تمام خاک هندوستان را به اشغال خود در آورده بود. خود او درباره این موضوع در صفحه ۲۹۶ کتابش آورده است: «سیاست بریتانیا در خطه خراسان این است که مصالح انگلستان و افغانستان را در آنجا محصور سازد و به هیچ وجه تغییری را در وضع کنونی ایران نپذیرد و به‌خصوص ناظر و نگران آزادی راه‌هایی باشد که برای پیشرفت تجارت انگلستان ضرورت کامل دارد و اگر آن راه‌ها به جای دوست در دست قدرتی بیگانه باشد، خطر نمایشی از لحاظ هندوستان خواهد بود...»

**کاشت توتون و خشخاش، به‌جای درخت توت**  
انگلستان از زمانی که توانست هندوستان را به قیضه خود در آورد، با استفاده از منابع و کارگران هندی، به یکی از تولیدکنندگان پارچه ابریشم در جهان تبدیل شد. در آن زمان کشورهایی مانند: چین، ایران، هندوژزی، مهم‌ترین تولیدکنندگان تجاری انگلستان محسوب می‌شدند. کرزن در کتاب ایران و قضیه ایران به این مسئله اشاره می‌کند: «سرجان شیل وقتی که وزیر مختار بریتانیا بود در سال ۱۸۵۰ نوشت که ابریشم کالای عمده تجارتات ایران است، به‌نوشته در تجارت خارجی که در نتیجه او را قادر می‌سازد تا نهایی قسمتی از واردات خود را پرداخت کند. او اشاره به اقداماتی کرد که تجار انگلیسی برای بهبود این محصول کرده بودند، اما به واسطه سستی ایرانیان و اگرآه آنها در تغییر دین طرز کار کهنه‌خود، زحمات ایشان بی‌نتیجه ماند. در سال ۱۸۶۴ که بنا بر مندرجات جدول، مقدار محصول به‌حداعلا بود، برای نخستین‌بار دچار آفت گشت تا سال ۱۸۶۹ لطاعت این آفت به قدری سنگین شد که قیمت محصول را به یک خمس مقدار هسال قبل از آن تنزل داد و تجارت ابریشم گیلان، هیچ‌وقت بعد از آن آفت‌زدگی رونق سابق را باز نیافت...»

لرد کرزن در ادامه، به جایگزینی کاشت توتون، زیتون و خشخاش به جای درخت توت اشاره می‌کند: «در

سال ۱۸۷۵ از لحاظ آزمایش، به کاشت توتون اقدام و از کاشت زیتون رویدای در نزدیک رشت حمایت شد و در این مرکز محصول ابریشم، زراعت خشخاش به مقادیر کلی جای ابریشم را گرفت و نتیجه کار هم، بسیار درخشان بود...» او در ادامه رونق مجدد تجارت ابریشم در ایران را، مورد تردید می‌داند؛ گرچه کرزن به‌طور مستقیم، به دخالت دولت انگلستان در نابودی

تجارت ابریشم ایران ادعان نمی‌کند، اما خوشحالی خود را نیز از این مسئله پنهان نمی‌دارد. کاشت توتون در چند سال بعد با انعقاد قرارداد رژّی، پای انگلیسی‌ها را به ایران باز کرد!

**پیش‌در آمد قرارداد رژّی**  
در ۱۲ شعبان ۱۳۰۶، ناصرالدین شاه برای سومین بار راهی سفر فرنگ شد. انگلیسی‌ها در این سفر، بیش از پیش در پذیرایی شاه و همراهان کوشیدند. تمام همراهان شاه از دست ملکه ویکتوریا، مفتخر به نشان‌های مخصوص شدند. امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین‌شاه، بزرگ‌ترین نشان انگلستان را در یافت کرد. احتیاج مالی شاه برای ادامه مسافرت فرنگ، زمینه بسیار مناسبی به‌دست استعمارگران انگلیس داد. به گفته دکتر فوروو فرانسوی که در آن هنگام به‌عنوان طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود: «این امتیاز دخانیات که بدون یک رشوه کلان در حدود ۲ میلیون به‌دست نیامد، در ۲۱مارس ۱۸۹۰ (۲۸رجب ۱۳۰۷ به امضا رسیده است...». دولت انگلستان برای مصونیت از خطرات احتمالی، این امتیاز را به نام یکی از اتباع خود به نام «ماژور تالیوت» زد.

**تأسیس خانه‌های فساد در ایران توسط کمپانی رژّی**  
از فرزندهای استعمارگران برای سلطه بر مسلمانان، روح‌فاسد و جدایی‌انها از دین اسلام بود. همین روش بود که اندلس را که سال‌ها در تسخیر مسلمانان قرار داشت، از دست آنها خارج کرد. مسیحیان شمال، قرار دادهایی را با حاکمان مسلمان بستند و طبق آن، آزادانه به ایجاد تفریح‌گاه و مدرسه و انجام تجارت بین مسلمانان پرداختند. در مدارس خود به فرزندان مسلمان، افکار دینی مسیحیت را القا می‌کردند و با به گردش در آوردن دختران زیباروی مسیحی در تفریح‌گاه‌ها، جوانان مسلمان را به آنجا می‌کشاندند و با ترویج خرید و فروش مشروبات الکلی، مردم مسلمان را از اعتقادات دینی خود دور می‌ساختند و به این طریق، فساد را در تمام بیکره جامعه اسلامی رسوخ دادند و آن را از درون تهی کردند! آنها با استفاده از این روش، مقاومت از آنان گرفتند. در آغاز سال ۱۳۰۸ق دولت اعلامیه‌ای را در شهرهای مختلف ایران منتشر کرد که اختیار خرید و فروش تنباکو را به کمپانی انگلیسی واگذار کرده است. این کمپانی ابتدا باغی را در تهران خرید و اطراف آن را همچون قلعه‌ای نظامی، دیوار بلند و قطور کشید و ساختمانی استوار در وسط آن ساخت و در مدت کوتاهی، عده زیادی از انگلستان به‌عنوان کارکن کمپانی، به ایران اعزام شدند. به‌نوشته شیخ حسن کربلایی در کتاب قرارداد رژّی ۱۸۹۰ م، ۱۷ ماه پس از انعقاد قرارداد، حیاتی‌شامل دوپست‌هزار و مرد از فرنگیان، وارد ایران می‌شوند؛ «ایران بازار درست و حساسی فرنگی گردید. هر جامی‌رفتی فرنگی، خانه فرنگی، دکان فرنگی، بازار فرنگی، کوچه فرنگی. بالجمله این جماعت فرنگیان، بی‌هیچ توانی و تعطیلی، رشته تباه مقصد ایل خود دشمنان را پیش گرفت، با استقبال هرچه‌تمام‌تر، از جمله بی‌حمله پیمانی نمودند...» علاوه بر بازگشایی دکان‌ها و حضور دختران فرنگی، جمعی از زنان بازیگر روس، راه‌ایران آوردند؛ «در همین روزهای طهران، ششادیزاده بر ۵۰۰دکان خمر و مسکر فروشی باز شده که مسلمانان علائنه و بر ملا خمر خرید و می‌نورند...». وی در ادامه به تأسیس چندین کلیسا، دعوتخانه و مدرسه اشاره می‌کند که در آن مبلغان مسیحی به تبلیغ دین خود در میان مسلمانان می‌پردازند.

## تاریخ



جمعی از روحانیان، تجار و معتمدین مردم، پس از صدور فتوای تحریم تنباکو و هنگام صرف نرک کبابی رژّی در تهران

**الیوم استعمال توتون و تنباکو...**

مردم و علمای شهرهای ایران که از اقدامات خود نتیجه‌ای نگرفتند، از آیت‌الله‌العلّمی میرزا محمدحسن شیرازی در خواست کمک کردند. در پی آن ایشان در تلگرافی به شاه، خواستار توضیح در مورد نمایندگان کمپانی به شهرهای مختلف ایران، موحی از اعتراضات از سوی مردم و بازاربان شکل گرفت. به‌دلیل رابطه نزدیک و تنگاتنگی که بین طبقات مردم و علما وجود داشت، مردم به روحانیون متوسل شدند تا با رهبری آنها وارد مبارزه و قیام عمومی شوند. در شیراز از اعتراض مردم و اجتماع آنها در اطراف خانه علما سبب شد تا دولت مرکزی فرمان تبعید آیت‌الله سیدعلی اکبر فال اسیری را، به حاکم شیراز دهد. درج این خبر اعتراض و اجتماع مردم را گسترده‌تر کرد و در حرم شاهچراغ اجتماع کردند که توسط نیروهای حکومت هدف گلوله قرار گرفتند.

در تبریز مردم پس از اطلاع از امضای قرارداد رژّی، به همراه علمای این شهر در تلگرافی به شاه خواستند تا امتیاز مسلمانان را به عیسویان فرودا! علاوه بر این تلگرام، در‌های شهر را به روی نمایندگان کمپانی بستند. مردم اصفهان به رهبری روحانی قدرتمند یعنی آیت‌الله میرزا محمدتقی معروف به آقاچهقی، به مقابله با اقدامات شرکت‌رژّی پرداختند و پیشاپیش دست به ابتکار عمل زده و تنباکو را تحریم کردند. رفتار عمال شرکت‌رژّی در اصفهان، بسیار تحقیرآمیز و خشونت بار بود. یکی از تاجر معروف و معتبر اصفهانی، در مقابل دستور ظل‌السلطان مبنی بر تحویل توتون و تنباکو خود، هر چه را که خریده بود، آتش زد!

**پیششازی زنان در قیام تنباکو**  
در پی درخواست نماینده کمپانی رژّی، ناصرالدین شاه طی نامه‌ای به آیت‌الله آشتیانی اعلام کرد: «با بمان و به بالای منبر برو و قلیان بکش، یا از تهران خارج شو...». آیت‌الله آشتیانی هم با درخواست یک روز مهلت برای جمع کردن وسایزش، راه دوم را انتخاب کرد. فرادی آن روز از کلبه‌خانه آیت‌الله آشتیانی، همهمه و فریاد زنانی به گوش رسید که بر چادرهای خود گل مالیده بودند و با شیون فریاد می‌زدند: «یا غریب‌الغربا/می‌ود سرور ما». کم کم به تعداد زنان معترض اضافه شد و کمی بعد زنان تظاهرکننده درحالی که فریاد می‌زدند: «وا محمد...». «از این پس فرنگی بر مرده‌هایمان نماز خواهد خواند» و «فرنگی عقد دختران و پسرانمان را خواهد بست». ابتدا به طرف بازار و پس از بستن مغازه‌های بازاربان، آنجا به کاخ گلستان رفتند. وقتی مردان شور و هیجان زنان را دیدند، با آنها همراه شدند. مردم ضمن شعار علیه ناصرالدین شاه، بر در بزرگ کاخ می‌کوبیدند! وساطت نایب‌السلطنه برای آرام کردن مردم، نتیجه‌ای نداشت. شلیک گلوله مأموران حکومتی به طرف مردم و کشته شدن چند نفر، خشم و فریادهای معترضان را بیشتر کرد! در این هنگام ناصرالدین شاه که بقای سلطنتش را در خطر می‌دید، مجبور شد فرمان تبعید آیت‌الله آشتیانی از تهران و قرارداد رژّی را لغو کند. بارچیده‌شدن شعبات کمپانی رژّی در شهرهای ایران، میرزای شیرازی در تلگرافی به علما، حکم تحریم تنباکو را برداشت.

**فرجام سخن**  
از جنبه‌های مهم نهضت تحریم تنباکو، حضور زنان در صحنه مبارزه بود که با انگیزه دفاع دینی و بیگانه‌ستیزی، برای نخستین‌بار در تاریخ ایران به‌وقوع پیوست. روشنفکرانی که بر نقش زنان در نهضت مشروطه اصرار می‌ورزند، ترجیح داده‌اند تا در این قفره، کاملاً ساکت بمانند! از دیگر نمودهای این حرکت، می‌توان به اتحاد گروه‌ها و اصناف از جمله: علما، تاجران و حتی روشنفکران، در اجرای حکم تحریم و پیروی از آیت‌الله میرزای شیرازی اشاره کرد، که حتی در حرسرای شاه نیز آتش گذاشت و به‌عنوان نخستین حرکت گسترده و موفقیت‌آمیز، در برابر قدرت مطلق حکومت شکل گرفت.

یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱  
شماره ۸۴۹۶

تاریخ جهان

**زندگی روزمره در دوره طاعون**



کتاب «زندگی روزمره در دوره طاعون» نوشته جوزف پی. برن با ترجمه یاسر پوراسماعیل به همت انتشارات نگاه به چاپ رسیده است. با آغاز قرن بیست‌ویکم، خودمان را در جهانی می‌یابیم که در آن کاملاً ایمن‌اند. در آمریکا و اروپا که به‌مراتب ثروتمندترند و از پیشرفت فناوریانه بیشتری برخوردارند، مردم از بیماری قلبی، دیابت و سرطان می‌ترسند. در پشت جلد کتاب می‌خوانیم: «آدمی در طول تاریخ همه‌گیری‌های زیادی را از سر گذرانده؛ بیماری‌های خاصی که برای مدتی محدود بین جماعتی بزرگ شایع می‌شد، اما همه‌گیری‌های نسبتاً اندکی به پاندمی رسیده‌اند. یکی از مهیب‌ترین پاندمی‌ها طاعون سیاهی است که ۴قرن دنیای مسلمانان و مسیحیان را در هم کوفت. این همه‌گیری تا قرن‌ها در اروپا قربانی گرفت و در اواخر قرن هفدهم از اروپا به آفریقای شمالی و خاور نزدیک رفت و تا قرن نوزدهم در آن سرزمین‌ها جا خوش کرد. اما تاریخ نشان داده بشر سخت‌جان بر خطرهای عظیم ناشی از طبیعت و غریزه‌های تاریک خویش فائق آمده است؛ پس «کاری انسانی است» که بر فجاج گذشته تامل کنیم، هم‌زمان که بحرال‌متزلزل و آینده نامعلوم‌مان می‌اندیشیم.»

کتاب زندگی روزمره در دوره طاعون در ۱۲ فصل و ۵۸۴ صفحه، با قیمت ۱۴۵ هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ ایران

**ایران در جنگ جهانی دوم**



ایران در جنگ جهانی دوم

مجموعه «تاریخ ایران: روایتی دیگر» انتشارات ققنوس، به دبیری بهزاد کریمی، شامل بررسی سیر تحولات تاریخ ایران است با نگاهی تازه و با اتکا بر منابع معتبر و روش‌های مقبول در پژوهش‌های تاریخی.

ویژگی اصلی این مجموعه داشتن نگاهی همه‌جانبه، فرهنگی و انتقادی به رویدادهای تاریخ ایران در عرصه ایران فرهنگی و در تلاش استت تاریخ راه به قصد ماندن در گذشته و نه‌برای تفاخر و تحقیر در حال. بلکه برای ساختن آینده‌ای روشن روایت کند. «ایران در جنگ جهانی دوم» نوشته‌شیدا صابری، جلد چهارم این مجموعه است که به وضعیت ایران در جنگ جهانی دوم می‌پردازد. این کتاب در ۴فصل به روایت اوضاع ایران در جنگ جهانی دوم، بی‌طرفی و ناگزیر طرف‌داری از یکی از طرف‌های درگیر و پیامدهای آن می‌پردازد. فصل اول درباره شروع جنگ جهانی دوم در اروپاست. فصل دوم به اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم می‌پردازد. فصل سوم به استعفا رضاشاه، اوضاع ایران پس از خروج او و انتقال سلطنت به محمدرضا شاه می‌پردازد و در فصل چهارم به نتایج جنگ جهانی دوم در ایران پرداخته می‌شود. انتشارات ققنوس این کتاب ۱۵۴صفحه‌ای را به بهای ۲۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

**کتاب سلام اول**



کتاب سلام اول

کتاب «سلام اول» نوشته یکی از مورخان تاریخ‌ساز آمریکایی به‌نام باربارا تاکنم است. این کتاب تاریخی، نمایشی دقیق و اصیل از انقلاب آمریکا را ترسیم می‌کند. باربارا تاکنم در کتاب سلام اول، انقلاب آمریکا را از دیدگاه اروپا توصیف می‌کند.

استعداد بزرگ تاکنم، استعدادی که وی را از بسیاری از مورخان متمایز می‌کند، توانایی او در نوشتن تاریخ به‌عنوان یک روایت فکری و بی‌وجدان حقایق متراکم و به‌هم پیوسته در یک چارچوب همیشه در حال رشد است که لزوماً بر اساس تقویم نیست، اما همیشه دقیقاً در همان جایی به پایان می‌رسد که قرار بوده باشد.

در این کتاب، هدف بنیاد قاطع از وقایع را در پی درک صحیح مسائل بین‌المللی در اروپا و روابط بین انگلیس و مستعمرات خود می‌داند که شامل جنگ تجاری هلند و انگلیس، و بیگانه‌ستیزی و فرانسسه، درگیری‌های سیاسی در انگلستان و شرایط جدید انگلیسی‌ها در قرن هجدهم می‌شود. تاکنم در نیمه‌اول کتاب خود تقریباً با تمرکز انحصاری بر سمت اروپایی، مسائلی را از درگیاسالار انگلیسی‌س‌سر جورج برینگز رودنی، ژنرال انگلیسی لرد کورنوالیس، و دریاسالار د گراس فرانسوی توصیف می‌کند و در نهایت یک دیدگاه تازه و خیرکننده به خواننده ارائه می‌دهد.

نشر ماهی این کتاب ۳۴۴صفحه‌ای را با ترجمه حسن افشار به بهای ۱۴۰ هزار تومان منتشر کرده است.